



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقاله کاری شماره MBRI9301 / بهار ۱۳۹۳

راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی: گزارش دهمین جلسه از سلسله نشست‌های نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی

حسین میسمی*

کلمات کلیدی: بانک مرکزی، بانک‌های تجاری، اضافه برداشت، بانکداری اسلامی، ربا.

طبقه‌بندی JEL: O10, O16, Z10, L87.

*کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

۴	الف. مقدمه
۵	ب. خلاصه
۱۱	ج. نقاط قوت
۱۱	د. نقاط ضعف



راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی:

گزارش دهمین جلسه از سلسله نشست‌های نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی

تدوین: حسین میسمی^۱

الف. مقدمه

پس از برگزاری نه نشست از سلسله جلسات نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی اقدام به برگزاری دهمین جلسه در تاریخ بیست اسفند ماه ۱۳۹۲ نمود. هدف از برگزاری این جلسه ایجاد تضارب آراء میان محققان در رابطه با موضوع اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی بود. در واقع سوال اصلی آن بود که یک بانک اسلامی بر اساس چه شیوه صحیح شرعی می‌تواند از بانک مرکزی اضافه برداشت نماید؟ مقاله مورد نقد در این جلسه^۲، تلاش

^۱. کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).

^۲. این مقاله با عنوان: «راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی» توسط آقایان دکتر سید عباس موسویان و محمد امیرعلی در شماره ۴۶ فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، به چاپ رسیده است.



نمود تا ابعاد مختلف بحث را مورد شناسائی قرار داده و با بررسی راهکارهای مختلف، به ارائه روشی پردازد که هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ فقهی امکان عملیاتی شدن داشته باشد.

شیوه برگزاری جلسه بدین صورت بود که ابتدا نویسنده اصلی مقاله، آقای دکتر سید عباس موسویان، مهمترین یافته‌های تحقیق خود را ارائه نمود و پس از آن ناقدان محترم جناب آقای محمدرضا حاجیان، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد محقق‌نیا و دکتر حسین عیوضلو به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند. در ادامه برخی از حاضران در جلسه نیز نکات و دیدگاه‌های خود در رابطه با مباحث مطرح شده توسط ارائه دهنده و ناقدان را مطرح نمودند. آنچه که مورد تاکید تمامی ناقدان قرار گرفت این موضوع بود که ایده ارائه شده در این پژوهش نو و قابل تاقل بوده و می‌تواند موضوعی برای تحقیقات آینده باشد. در ادامه به چکیده مقاله مورد نقد، اشاره شده و پس از آن به صورت مختصر به نقاط قوت و ضعف اشاره می‌شود.

ب. خلاصه

یکی از وظیفه‌های بانک‌های مرکزی به عنوان واپسین وام‌دهنده، حمایت مالی از بانک‌های تجاری در شرایط اضطراری، که نیاز فوری به نقدینگی وجود دارد، می‌باشد. با توجه به ربوی بودن شیوه استقرار بانک‌های تجاری از بانک مرکزی، محققان اقتصاد اسلامی راهکارهای گوناگونی برای پاسخ به این نیاز ارائه کرده‌اند؛ اما راه‌حلی که بتواند از جنبه‌های فقهی، اقتصادی و کاربردی مطلوب باشد، هنوز



ارائه نشده است. تحقیق مورد بحث تلاش می‌کند تا راهکار مشارکت مدنی مشروط را برای پاسخ به این خلاء در بانکداری اسلامی معرفی کند. برخی از مهمترین نکات مطرح شده در این مقاله عبارت‌اند از:

۱. از زمان تأسیس اولین بانک مرکزی در قرن ۱۷ تا به امروز، پشتیبانی و حمایت مالی بانک‌های مرکزی از بانک‌های تجاری به عنوان یکی از وظایف بانک‌های مرکزی مطرح است. بانک‌های تجاری ممکن است در برخی شرایط در وضعیتی گرفتار شوند که چاره‌ای جز استفاده از تسهیلات بانک مرکزی نداشته و حمایت نشدن آن‌ها از سوی این نهاد، به ورشکستگی آن‌ها منجر شود.
۲. نظام بانکی، عنصری ساختاری و با اهمیت و در عین حال آسیب‌پذیر در اقتصاد است. بانک‌ها، از یک طرف با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها می‌شوند و از طرف دیگر، با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی، زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصادی را فراهم می‌آورند.
۳. بانک‌ها در مسیر نیل به اهداف خود، با چالش‌های متعددی روبرو هستند که ریسک نقدینگی از جمله بزرگ‌ترین آن‌ها می‌باشد. در واقع بروز مشکل نقدینگی برای بانک، علاوه بر زیانی که برای مشتریان دارد، به سرعت می‌تواند به دیگر مؤسسات اعتباری سرایت کرده و باعث سقوط نظام مالی کشور شود. از این رو، هیچ حکومتی به سادگی اجازه ورشکستگی بانک‌ها را نمی‌دهد.
۴. بانک مرکزی در مرکز نظام پولی و مالی قرار گرفته تا بتواند با اختیاراتی که دارد، به صورت عامل فعال، تنظیم‌کننده نهایی بازار پولی-مالی باشد. بانک مرکزی برای جلوگیری از ورشکستگی



بانک‌ها و به تبع آن بحران اقتصادی کشور، می‌تواند به عنوان وام دهنده نهایی به فعالیت بپردازد.

۵. به طور کلی بانک مرکزی به دو طریق می‌تواند منابع مالی بانک‌ها را افزایش یا کاهش

دهد که نوع اول آن اعتبارات مستقیم است. از طریق این اعتبارات، بانک مرکزی، میزان اعتبار قابل استفاده

هر بانک را بنا بر ضوابطی (مانند ذخایر نقدی آن بانک و یا نوع اعتبارات آن بانک به بخش خصوصی)،

تعیین می‌کند. تغییر میزان این اعتبار، اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در

صورتی که بانک مرکزی خواهان افزایش یا کاهش اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی باشد، اعتبارات

اعطایی خود به بانک‌ها را افزایش یا کاهش می‌دهد؛ این اعتبارات معمولاً از طریق یک خط اعتباری بین

بانک مرکزی و بانک تجاری تعریف می‌شود.

۶. نوع دوم شیوه استقراض بانک‌های تجاری از بانک مرکزی، تنزیل مجدد اسناد و اوراق

تجاری بانک‌ها می‌باشد. در واقع بانک مرکزی تنزیل کننده نهایی اسناد و اوراق تجاری بانک‌ها می‌باشد.

بدین ترتیب که بانک‌های تجاری اوراق و اسناد تنزیلی بخش خصوصی را به نوبه خود در بانک مرکزی

تنزیل می‌کنند؛ این عمل که تنزیل مجدد نامیده می‌شود، می‌تواند منابع مالی بانک‌ها را افزایش دهد.

۷. ویژگی‌های برنامه استقراض بانک‌های تجاری از بانک مرکزی عبارت‌اند از:

الف) کوتاه‌مدت بودن وام‌ها و استفاده در مواقع خاص: بانک مرکزی عموماً وام‌های کوتاه‌مدت

به سیستم بانکی ارائه می‌دهد و وام‌های بلندمدت را در موارد بحرانی، با محدودیت‌های زیاد عرضه

می‌دارد.



ب) فقدان ماهیت «حق» برای استفاده از منابع بانک مرکزی: بانک‌های تجاری استفاده از این

ابزار را نباید حق خود بپندارند و به عنوان یک «حق» ضعف مدیریت خود در تنظیم اعتبارشان را با وام‌گیری از بانک مرکزی جبران کنند. بانک مرکزی نیز در خصوص اقدام به عنوان وام دهنده نهایی باید به صورتی عمل نماید که برای بانک‌های تجاری این توهم ایجاد نشود که بانک مرکزی تحت هر شرایطی موظف به تامین نیاز اعتباری آن‌هاست.

ج) اعمال محدودیت‌های خاص: بانک مرکزی در ازای اعطای وام به بانک‌ها، اسناد بانکی را به

عنوان وثیقه دریافت می‌کند. در بررسی تقاضای وام، بانک مرکزی به آثار اقتصادی اعطای وام و به هدف بانک از تقاضای وام توجه دارد.

د) قابلیت اجرای سیاست پولی: اعطای وام به سیستم بانکی، باعث افزایش ذخایر سیستم بانکی و

در نهایت افزایش عرضه پول می‌شود. زمانی هم که بانک مرکزی به باز پس گرفتن وام اقدام ورزد، عرضه پول کاهش می‌یابد. از این رو، تغییر در میزان و شرایط تسهیلات اعطایی بانک مرکزی، یکی از ابزارهای اجرای سیاست پولی به حساب می‌آید که با توجه به اهداف مختلفی اعمال می‌شود.

۸. همان طور که ذکر شد، بانک مرکزی به عنوان آخرین پناهگاه برای حل مسائل نقدینگی

بانک‌ها به شمار می‌رود. این حمایت مالی بانک مرکزی در بانکداری ربوی از طریق قرض با بهره انجام می‌شود. در این نظام، بانک‌های تجاری معمولاً با استفاده از اضافه برداشت و یا خط اعتباری، به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورند. این شیوه اعتباری در بانکداری بدون ربا، با محدودیت ربا مواجه بوده و



قابلیت استفاده ندارد.

۹. در طول سالیان گذشته محققان اقتصاد اسلامی برای حل مشکل اضافه برداشت بانک‌های

تجاری از بانک مرکزی، راهکارهایی همچون: خرید دین مجدد، مضاربه، فروش سهام بانک تجاری به بانک مرکزی، قرض الحسنه، قرض الحسنه مشروط و مشارکت مجدد را ارائه کرده‌اند که هر کدام از آن‌ها دارای مزیت‌ها و معایبی در مبانی فقهی و کاربردی هستند؛ البته هیچ کدام در عمل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

۱۰. امروزه در نظام بانکداری بدون ربای ایران، بانک‌هایی که خواهان استفاده از منابع بانک

مرکزی برای پوشش نیازهای نقدینگی خود در مواقع لزوم باشند، با وجه التزام ۳۴ درصدی روبرو می‌شوند که این شیوه نیز با اشکالات جدی مواجه است؛ در واقع مبنای شرعی رابطه مالی شکل گرفته بین بانک مرکزی و بانک‌های تجاری تحت عنوان اضافه برداشت و جریمه پرداختی بر روی آن شفاف نیست. از این رو خلأ یک راهکار که هم از جهت فقهی و هم از جهت کارایی، مناسب باشد، کاملاً احساس می‌شود.

۱۱. راهکار مشارکت مدنی مشروط (که نوآوری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد)، یکی از

روش‌هایی است که بانک‌های اسلامی می‌توانند با استفاده از آن، از منابع بانک مرکزی برداشت نمایند. این راهکار با یک قرارداد میان مدت آغاز می‌شود و در این قرارداد ذکر می‌شود که چنانچه بانک تجاری در طول قرارداد در شرایط خاص قرار گیرد و این شرایط به تأیید بانک مرکزی برسد، حداکثر به مبلغ



تصویب شده و تعداد بار تصویب شده، می‌تواند به صورت کوتاه‌مدت (روزانه) از تسهیلات بانک مرکزی استفاده کند.

۱۲. برای این منظور، بانک تجاری در قالب عقد مشارکت مدنی، یک یا چند مورد از دارایی‌های منضبط خود را با بانک مرکزی به مشارکت گذاشته (مالکیت آن را مشترک می‌نماید) با این شرط که اولاً، چنانچه تا مدت معین، نسبت به پرداخت ثمن اموال مورد مشارکت اقدام نماید، بانک مرکزی اموال مشاعی را به بانک تجاری برگرداند؛ ثانیاً، در دوره‌ای که بانک تجاری اموال خود را با بانک مرکزی مشارکت نموده است، بانک مرکزی سهم خود از اموال مذکور را در قالب عقد اجاره در اختیار بانک تجاری قرارداد و اجاره دریافت نماید.

۱۳. ویژگی اصلی راهکار پیشنهادی آن است که نرخ اجاره طوری تعیین می‌شود که رفتار بانک‌های تجاری در باب استفاده از منابع بانک مرکزی را کنترل نماید. به این صورت که ابتدای هر سال مالی، شورای پول و اعتبار سه نرخ اجاره را به صورت حداقل، پایه و حداکثر اعلام می‌کند؛ که نرخ اجاره پایه در بازه نرخ اجاره حداقل و حداکثر اعلام شده قرار دارد. در این شرایط، قبل از شروع قرارداد کوتاه مدت، بانک‌هایی که به مبلغ کمتر، به تعداد دفعات کمتر و برای مدت زمان کمتری از منابع بانک مرکزی تقاضای تسهیلات نمایند، می‌توانند نرخ اجاره پایه را به نرخ حداقل نزدیکتر نمایند. از طرف دیگر، بانک‌هایی که عکس حالت فوق رفتار نمایند، از نرخ اجاره پایه فاصله گرفته و به نرخ حداکثر نزدیکتر می‌شوند (به عبارت دیگر تنبیه می‌شوند). یعنی بانک مرکزی با ایجاد یک مسیر (کریدور نرخ اجاره)،



انگیزه بانک‌ها به استفاده از منابع پر قدرت این بانک را جهت‌دهی می‌کند.

ج. نقاط قوت

- ۱- توجه به موضوعی کاربردی، یعنی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی که مسئله‌ای مهم در نظام بانکی کشور است، از ویژگی‌های این پژوهش است.
- ۲- ترکیب مباحث سلبی و ایجابی با یکدیگر از دیگر نقاط قوت این پژوهش است. در واقع در این تحقیق، در کنار نقد راهکارهایی که قبلاً توسط سایر محققین پیشنهاد شده است، راهکاری جدید نیز پیشنهاد شده است که قابل توجه می‌باشد.
- ۳- در این تحقیق علاوه بر مباحث فقهی، بر مباحث کارکردی و عملیاتی نیز توجه شده است. یعنی نویسنده تلاش زیادی نموده است تا راهکاری که پیشنهاد می‌دهد هم از مشروعیت فقهی برخوردار باشد و هم از کارایی اقتصادی.

د. نقاط ضعف

- ۱- نویسنده مباحث خود را به طور عمده به رابطه بانک‌های تجاری با بانک مرکزی محدود نموده است. در حالی که مقوله اضافه برداشت مخصوص بانک‌های تجاری نبوده و موسسات اعتباری غیر بانکی نیز نیازمند چنین تسهیلات و کمک‌های از سوی بانک مرکزی می‌باشند.



- ۲- مناسب بود نویسنده در تحقیق خود به این مطلب اشاره می نمود که بانک مرکزی آخرین قرض دهنده است و بانکها باید نیازها و کمبودهای خود را ابتدا از طریق بازار بین بانکی تامین کنند و صرفا در شرایط خاص که سایر منابع جوابگو نیست، از منابع پر قدرت و تورمزای بانک مرکزی استفاده نمایند.
- ۳- نویسنده تاکید نموده است که بانک مرکزی می تواند با تعیین متفاوت نرخ اجاره برای بانکهای مختلف، از برخی از آنها نرخ کمتری مطالبه کند و از برخی دیگر نرخ بیشتر. در حالی که اساسا عملیات بازار باز هدف نهایی اش رساندن نرخهای سود موجود به نرخ مطلوب سیاست گذار می باشد. بنابراین در نهایت باید نرخهای سود در اقتصاد به سمت نرخی واحد حرکت کنند. بنابراین، اینکه نسبت به برخی از بانکهای سیاست پولی انقباضی اعمال شود و نسبت به برخی دیگر انبساطی، عملا امکان پذیر نیست.
- ۴- بهتر بود نویسنده مباحث خود را در قالب ادبیات موجود در بحث بازار بین بانکی پیش می برد. چرا که مقررات بانک مرکزی که برای بازار بین بانکی تدوین شده است، هم رابطه بانکهای تجاری با یکدیگر را شامل می شود و هم رابطه بانک مرکزی با بانکهای تجاری را. از این رو، شیوه پیشنهادی نویسنده که مبتنی بر عقد مشارکت است، در واقع راهکاری جدید برای حل مشکل شرعی رابطه بانک مرکزی با بانکهای تجاری در بازار بین بانکی می باشد.



۵- در راهکار پیشنهادی هدف بانک تجاری از به مشارکت گذاشتن اموال دستیابی به نقدینگی است و هدف بانک مرکزی نیز از پذیرفتن این مشارکت اعمال سیاست پولی است. بنابراین، هیچ کدام از طرفین هدف نهایی که دارند، مشارکت نیست و این شاید باعث شود که قصد واقعی در طرفین عقد مشارکت شکل نگیرد. البته این مطلب صحیح است که آنچه در صحت عقود دارای اهمیت است، این نکته می باشد که طرفین هنگام امضای قرارداد، حقیقتاً نیت مشارکت نمایند و اینکه هدف نهایی آن‌ها از ورود در این مشارکت چیست، در حکم شرعی تاثیری ندارد. به عبارت دیگر، بین قصد معامله با هدف نهایی معامله باید تفکیک قائل شد؛ آنچه در صحت قرارداد دارای اهمیت است، وجود قصد جدی در طرفین می باشد و نه هدف غائی آن‌ها از انجام معامله.

۶- هر چند شیوه پیشنهادی توسط نویسندگان از منظر فقهی اشکالات چندانی ندارد، اما از منظر اقتصادی دارای ضعف‌های جدی می باشد. چرا که اولاً، مشتریان گوناگون اموال متفاوتی دارند (مانند: ساختمان، ماشین آلات، سهام، اوراق بهادار و غیره) و از سوی دیگر بانک برای حداقل نمودن ریسک های مرتبط با تملیک، تهرین و اجاره اموال (و بالا بردن امکان بازگرداندن وجوه در شرایطی که کار به دادگاه و محاکم قضائی بکشد)، لازم است عملیات را به ثبت دفاتر اسناد رسمی برساند. این در حالی است که کلیه عملیات مرتبط شامل: تملیک بخشی از اموال مشتری توسط بانک (که دو برابر تسهیلات دریافتی می باشد)، تهرین کل اموال نزد بانک و در نهایت بازگرداندن مالکیت از بانک به مشتری در پایان مدت اجاره و آزاد شدن مورد رهن (فک رهن) دارای «هزینه معاملاتی» هستند که همگی به مشتری تحمیل



می‌شود. این باعث می‌شود که هزینه اضافه برداشت از بانک مرکزی که ذاتا بالا است، باز هم بیشتر شود و این امکان استفاده از این نوع تسهیلات را به ویژه برای مشتریان خرد به شدت محدود می‌کند. ثانیاً، با توجه به اینکه اموال گوناگون در محیط اقتصادی دارای اجاره‌بهای متفاوتی هستند، تعیین نرخ‌های واقعی اجاره‌بها برای آن‌ها مشکل می‌باشد و اگر هم برای تمامی اموال نرخ اجاره‌بهای واحدی در نظر گرفته شود، مشارکت را غیر واقعی نموده و شبهه صوری بودن را تقویت می‌نماید. ثالثاً، اگر مشتری در پایان قرارداد اجاره به هر دلیل سهم بانک را خریداری نکند، اموال مختلف و گوناگونی در اختیار بانک قرار خواهد گرفت که بانک به هیچ وجه به آن‌ها نیازی ندارد. فروش این اموال در بازار و سایر مسائل مرتبط به آن (مانند پرداخت مالیات فروش، عوارض شهرداری و غیره) همگی برای بانک مشکل‌آفرین است.

۷- رویکرد نویسنده در این مقاله، رویکرد ابزارسازی می‌باشد. در واقع نویسنده تلاش نموده است تا با استفاده از فقه اسلامی، شیوه‌ای منطبق با شریعت برای این هدف ارائه دهد. در حالی که به نظر می‌رسد باید در چارچوب نظام اقتصادی اسلامی به طراحی شیوه‌های صحیح پرداخت و اینکه بدون توجه به نظام مورد اشاره، به ابزارسازی پرداخته شود قابل قبول نمی‌باشد.

۸- غلط‌های املائی در متن موجود است که لازم است اصلاح شود.